

# پنهان شدن در سایه رشد اقتصادی زیرزمینی\*

فردریش اشنایدر و دومینیک انسته

ترجمه نسرين قبادی

(فوق لیسانس اقتصاد، معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی وزارت بازرگانی)

رسمی و زیرزمینی نیز نامیده می شود، نه تنها شامل فعالیت های غیر قانونی است بلکه شامل درآمد گزارش نشده از محل تولید کالاها و خدمات قانونی، خواه از طریق مبادلات تهاتری و خواه پولی، است. از این رو، اقتصاد سایه شامل تمام فعالیت های اقتصادی است که در صورت گزارش به مقامات مالیاتی بیشتر مشمول مالیات هستند.

تعریف دقیق اقتصاد سایه بسیار مشکل است، زیرا اقتصاد سایه همواره توسعه می یابد و با تغییرات در مالیات و مقررات تعدیل می شود. اندازه اقتصاد سایه چقدر است؟

برآورد اقتصاد سایه مشکل است. در مجموع، مردم شاغل در فعالیت های زیرزمینی سعی می کنند شناسایی نشوند. اما لازم است سیاستگذاران و مجریان دولتی بدانند چند نفر در اقتصاد سایه فعال هستند، چند وقت یک بار فعالیت های زیرزمینی اتفاق می افتد و اندازه این فعالیت ها چقدر است تا بتوانند تصمیمات مناسبی برای تخصیص منابع اتخاذ کنند. به همین دلیل، اقتصاددانان و آمارگیران دولتی محاسبات متعددی برای اندازه گیری اقتصاد سایه انجام داده اند.

برای برآورد اقتصاد سایه با استفاده از روش های برآورد مختلفه محققین بر نمونه ای از ۸۴ کشور متمرکز شده اند. نتایج نشان می دهند که در تمام ۸۴ کشور، ارزش افزوده اقتصاد سایه به مقادیر چشمگیری گسترش یافته است.

جدول (۲) متوسط برآوردها برای سه گروه کشورهای در حال توسعه، اقتصادهای انتقالی و ۲۱ کشور پیشرفته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را نشان می دهد. از آنجا که این برآوردها براساس روش های مختلف برآورد شده اند، مقایسه بین این کشورها ناپخته است.

## کشورهای در حال توسعه

بر طبق تحقیق انجام شده، در سال های ۱۹۹۸-۹۹، کشورهای نیجریه و مصر در آفریقا بزرگترین اقتصادهای سایه را به ترتیب با ۷۷ و ۶۹ درصد تولید ناخالص داخلی داشتند. در مقابل، آفریقای جنوبی اقتصاد سایه ای تنها به اندازه ۱۱ درصد داشت. در همان دوره در آسیا، تایلند رتبه اول را با ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی داشت. هنگ کنگ و سنگاپور کوچکترین اقتصادهای سایه را با ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی داشتند. در آمریکای لاتین،

این مقاله ضمن تعریفی از اقتصاد زیرزمینی و ابعاد آن در کشورهای مختلف، عوامل موثر بر آن را به بحث می گذارد.

کارگر کارخانه، دارای شغل دوم بدون مجوز رانندگی تاکسی در ساعات شب است؛ لوله کش، لوله آب شکسته شده ای را برای مشتری تعمیر می کند و به صورت نقدی دستمزش را دریافت می کند اما عایدیش را به مامورین وصول مالیات اظهار نمی کند. توزیع کننده دارو، فروشش را با یک مشتری احتمالی در گوشه خیابان حل و فصل می کند. این ها همه مثال هایی از فعالیت های اقتصادی سایه یا زیرزمینی، به صورت قانونی یا غیرقانونی، هستند که در سال بالغ بر تریلیون ها دلار می شود و خارج از کتب و دور از چشم ماموران مالیاتی و یا آمارگیران دولتی انجام می شود.

گرچه فعالیت های اقتصادی سایه و مجرمانه برای مدت های مدیدی یک واقعیت در حال افزایش در سراسر جهان بوده است؛ از این رو تقریباً تمام جوامع سعی بر کنترل رشد آن ها دارند، چرا که پیامدهای بالقوه جدی به شرح زیر دارد: یک اقتصاد سایه در حال گسترش، آمارهای رسمی (بیکاری، نیروی کار رسمی، درآمد و مصرف) را غیر قابل اعتماد می کند. سیاست ها و برنامه هایی که بر پایه آمارهای غیر قابل اعتماد شکل گرفته اند، ممکن است نامناسب و خودبرانداز باشند.

رشد اقتصاد سایه می تواند چرخه مخربی را آغاز کند. مبادلات در اقتصاد

سایه از مالیات فرار می کند، بنابراین درآمدهای مالیاتی از میزان معمول آن هادر شرایط دیگر پایین است. اگر پایه مالیاتی با توافق های مالیاتی تضعیف شود، دولت ها ممکن است با افزایش میزان های مالیاتی واکنش نشان دهند که منجر به فرار بیشتری به سمت اقتصاد سایه می شود؛ این امر محدودیت های بودجه بخش عمومی را بدتر می کند. (حداقل دو- سوم درآمد حاصل از اقتصاد سایه بلافاصله در اقتصاد رسمی هزینه می شود که موجب می شود محرک های مثبت قابل توجهی بر اقتصاد رسمی تاثیر بگذارند.)

یک اقتصاد سایه در حال رشد، محرک های قوی برای جذب کارگران داخلی و خارجی، فارغ از اقتصاد رسمی، فراهم می کند.

## اقتصاد سایه چیست؟

اقتصاد سایه که اقتصاد موازی، غیر



بزرگترین اقتصاد سایه را بولیوی با ۶۷ درصد تولید ناخالص داخلی و کوچکترین را شیلی با ۱۹ درصد داشتند.

در ۱۹۹۰-۹۳ به ۱۷ درصد در ۱۹۹۹-۲۰۰۰ رسیده است. در اواخر دهه، اقتصاد سایه در بیشتر این کشورها همچنان در حال رشد بود.

## کشورهای در حال گذار

در میان ایالت‌های اتحاد شوروی سابق، در ۹۹-۱۹۹۸، گرجستان با ۶۴ درصد تولید ناخالص داخلی بزرگترین اقتصاد سایه را داشت؛ پس از آن روسیه با ۴۴ درصد بود. از بکستان با ۹ درصد کوچکترین اقتصاد سایه را داشت. در میان کشورهای در حال گذار اروپای شرقی و مرکزی، بلغارستان بزرگترین و اسلواکی کوچکترین اقتصاد سایه را به ترتیب با ۳۴ و ۱۱ درصد داشتند.

## کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

در میان ۲۱ کشور سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در ۲۰۰۱-۱۹۹۹، یونان و ایتالیا بزرگترین اقتصادهای سایه را به ترتیب با ۳۰ و ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی داشتند. در گروه میانی، کشورهای اسکانديناوی و آمریکا، و در گروه پایین، اتریش با ۱۰ درصد و سوئیس با ۹ درصد قرار داشتند.

## اقتصاد سایه چه اندازه رشد کرده است؟

در بیشتر کشورهای در حال گذار و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مورد بررسی، اقتصاد سایه به سرعت رشد کرده است. روند کشورهای در حال توسعه به عنوان یک گروه، به علت نبود داده‌ها به درستی قابل قضاوت نیست. اقتصاد سایه بین سال‌های ۱۹۹۰-۹۸ در ایالت‌های اتحاد شوروی سابق بیشتر رشد کرد و از یک - چهارم به بیش از یک - سوم تولید ناخالص داخلی رسید. گرچه در اروپای شرقی و مرکزی در حد یک - پنجم تولید ناخالص داخلی تقریباً ثابت ماند.

در ۲۱ کشور مورد بررسی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اقتصاد سایه طی ۳۰ سال دو برابر شده است. در بیشتر این کشورها شامل بلژیک، دانمارک، ایتالیا، نروژ، اسپانیا و سوئد سهم اقتصاد سایه از کمتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۷۰ به بیش از ۲۰ درصد در ۲۰۰۰ رسیده است. در کشورهای با اقتصاد سایه کوچکتر نیز رشد اتفاق افتاده است. برای مثال، اقتصاد سایه آمریکا از چهار درصد در ۱۹۷۰ به ۹ درصد در ۲۰۰۰ رسیده است.

برای کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اقتصادهای سایه در دهه ۱۹۹۰ سریع‌ترین رشد را داشته است. در کل گروه، اقتصاد سایه از ۱۳ درصد

## نیروی کار سایه

مشارکت در بازار کار سایه نیز افزایش یافته است. بازار کار سایه شامل تمام مواردی است که کارفرمایان یا شاغلین، یا هر دو، در جایگاه اقتصاد سایه برای بازار تولید می‌کنند، بدون توجه به این که شغل آن‌ها به طور رسمی ثبت شده باشد یا نه. بعضی کارگران در اقتصاد سایه به شغل‌های دوم، یا حتی ضمن ساعت کارشان در اشتغال رسمی مبادرت می‌ورزند. بعضی به آن علت در اقتصاد سایه کار می‌کنند که آن را سودآورتر می‌یابند و یا مانند مهاجرت‌های غیر قانونی از اقتصاد رسمی رانده شده‌اند.

در اتحادیه اروپا، در اواخر دهه ۱۹۹۰، ۲۰ میلیون نفر در فعالیت‌های اقتصاد سایه اشتغال داشتند. در تمام کشورهای اروپایی عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، این آمار حدود ۳۵ میلیون نفر بود. در بعضی از کشورهای نیروی کار اقتصاد سایه خیلی زیاد بود: در ایتالیا ۳۰.۴۸ درصد کل نیروی کار (۱۹۹۷)، اسپانیا ۱۲.۱۳ درصد (۱۹۹۷.۹۸)، و سوئد ۳۰ درصد (۱۹۹۷.۹۸). در بسیاری از کشورها این سهم‌های بالا با میزان‌های رسمی بالای بیکاری همراه هستند.

در کشورهای اروپایی عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیروی کار سایه طی دو دهه گذشته رشد کرده است. برای مثال در دانمارک، سهم کل نیروی کار شاغل در اقتصاد سایه طی ۱۵ سال دو برابر شده است و از هشت درصد در ۱۹۸۰ به ۱۵ درصد در ۱۹۹۴ رسیده است. این الگو در آلمان و فرانسه مشابه بود: در آلمان، بین ۸.۱۲ درصد در فاصله سال‌های ۱۹۷۴-۸۲ ثابت بود. اما طی ۱۶ سال دو برابر شد و به ۲۲ درصد در ۱۹۹۸ رسید. در فرانسه، بین سال‌های ۸۲-۱۹۷۵، ۳۶ درصد بود اما طی سال‌های ۱۹۹۷-۹۸ دو برابر شد و به ۶۰ درصد رسید.

## چرا اقتصاد سایه رشد کرده است؟

کشورهای دارای مالیات‌های نسبتاً پایین، قوانین و مقررات محدود و یک چارچوب قانونی باثباته، اقتصادهای سایه کوچکتری دارند. مطالعات مبتنی بر الگوسازی‌های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و داده‌های چندین کشور نشان می‌دهند که عوامل مهم تعیین‌کننده اندازه و رشد اقتصاد سایه عبارت‌اند از: بار فزاینده مالیاتی و پرداخت‌های تامین اجتماعی همراه با

## جدول (۱) - انواع فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی

نوع فعالیت	مبادلات پولی	غیر پولی
فعالیت‌های غیر قانونی	تجارت کالاها، دزدی، خرید و فروش دارو، فحشا، قمار، قاچاق و کلاهبرداری	مبادله دارو، کالاها، قاچاق یا دزدی، تولید بی‌کشت دارو برای استفاده شخصی، دزدی برای استفاده شخصی
فعالیت‌های قانونی	درآمدگزارش نشده از خود اشتغالی، مزد، حقوق و دارایی‌های گزارش نشده از فعالیت‌های مرتبط با کالاها و خدمات قانونی	تخفیف‌ها و مزایای جانبی کارفرما
		مبادله کارها و کمک‌های انجام شده خانگی
		تهاتری کالاها و خدمات قانونی

## جدول (۲)- اقتصاد سایه به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی

طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۸

گروه کشورها	درصد از تولید ناخالص داخلی
در حال توسعه	۳۵-۴۴
در حال گذار	۲۱-۳۰
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۱۴-۱۶

دامنه‌ها، روش‌های برآورد مختلف را از منابع متعدد منعکس می‌کنند.

## جدول (۳)- راه‌های اندازه‌گیری اقتصاد سایه (روش‌های مختلف)

### ویژگی‌های اصلی

روش	ویژگی‌های اصلی
رویکردهای مستقیم:	اندازه اقتصاد سایه را از داده‌های تحقیق برآورد می‌کند
تحقیق نمونه	اندازه اقتصاد سایه را از ابعاد ممیزی درآمد مشمول مالیات اظهار نشده تخمین می‌زند
ممیزی مالیات	
رویکردهای غیر مستقیم:	
آمار حساب‌های ملی	اندازه اقتصاد سایه را بر پایه تفاوت میان درآمد و مخارج در آمارهای منفرد یا حساب‌های ملی برآورد می‌کند
آمارهای نیروی کار	رشد اقتصاد سایه را بر پایه کاهش مشارکت نیروی کار در اقتصاد رسمی برآورد می‌کند، با فرض این که نیروی کار، یک میزان مشارکت کلی ثابت داشته باشد
مبادلات	از داده‌های حجم کلی مبادلات پول در اقتصاد استفاده می‌کند تا تولید ناخالص داخلی اسمی کل (رسمی و غیر رسمی) را محاسبه کند، سپس اندازه اقتصاد سایه را با تفریق تولید ناخالص داخلی رسمی از تولید ناخالص داخلی اسمی کل برآورد می‌کند
تقاضای پول	اندازه اقتصاد سایه را از تقاضای نقدینگی برآورد می‌کند، با این فرض که مبادلات سایه به صورت نقدی انجام می‌شوند و بنابراین افزایش در اقتصاد سایه، تقاضای نقدینگی را افزایش می‌دهد
نهادهای فیزیکی (مصرف برق)	رشد اقتصاد سایه را از مصرف برق تخمین می‌زند، با این فرض که مصرف برق، بهترین شاخص فیزیکی فعالیت اقتصادی است. میزان رشد تولید ناخالص داخلی رسمی را از میزان رشد مصرف کل برق کم می‌کند و اختلاف بین این دو را به رشد اقتصاد سایه نسبت می‌دهد
الگوها	
رویکرد متغیر نهفته	اندازه اقتصاد سایه را به عنوان تابعی از متغیرهای مشاهده شده تخمین می‌زند که فرض می‌شود بر اقتصاد سایه اثر گذارند، برای مثال: بار مالیاتی، فشار مقررات دولت و متغیرهایی مانند نقدینگی، ساعات کار رسمی، بیکاری و غیره که فعالیت‌های اقتصاد سایه آثاری بر آن‌ها می‌گذارند. این روش سودمند است زیرا علت‌ها و آثار چندگانه را به طور همزمان در نظر می‌گیرد.

محدودیت‌های رو به افزایش بازار کار رسمی. همچنین میزان‌های دستمزد اقتصاد رسمی در این زمینه نقش دارد.

## مالیات‌ها و حق بیمه‌های تامین اجتماعی

مالیات‌ها و حق بیمه‌های تامین اجتماعی به هزینه نیروی کار در اقتصاد رسمی افزوده می‌شوند و از این رو عوامل کلیدی رشد اقتصاد سایه هستند. هر چه اختلاف میان هزینه کل نیروی کار در اقتصاد رسمی و درآمد پس از مالیات ناشی از کار بیشتر باشد، انگیزه کارفرمایان و شاغلین برای اجتناب از این اختلاف و مشارکت در اقتصاد سایه بیشتر خواهد بود. این اختلاف می‌تواند خیلی بزرگ باشد، برای مثال، در آلمان و استرالیا، پرداخت‌های تامین اجتماعی و مالیات توسط شرکت‌ها و کارکردن آن‌ها بالغ بر دستمزدهایی است که کارگران عملاً کسب می‌کنند. از آنجا که اختلاف‌ها بیشتر به نظام تامین اجتماعی و رژیم مالیاتی بستگی دارد؛ این موارد، مولفه‌های کلیدی اقتصاد سایه هستند.

در مطالعات متعدد، شواهدی قوی مبنی بر تاثیر رژیم مالیاتی بر اقتصاد سایه دیده شده است. در اتریش، بار مالیات مستقیم (شامل پرداخت‌های تامین اجتماعی) همراه با مقررات تاثیر گذار بر شرکت‌ها و کارگران، و پیچیدگی نظام مالیاتی، بیشترین تاثیر را بر اقتصاد سایه داشته است. در سایر مطالعات، نتایج مشابهی برای کشورهای اسکاندیناوی، آلمان و آمریکا بدست آمده است. در آمریکا تحلیل‌ها نشان می‌دهند وقتی میزان نهایی مالیات بر درآمد شخصی فدرال تا یک درصد اعشار افزایش می‌یابد، باثبات سایر شرایط، اقتصاد سایه ۱/۴ درصد اعشار رشد می‌کند. همچنین در آمریکا، پایین نگه داشتن میزان نهایی مالیات بر درآمدهای بالا از رشد بیشتر اقتصاد سایه جلوگیری می‌کند.

مطالعه‌ای در خصوص شهر کبک در کانادا نشان می‌دهد که مردم به شدت بین اقتصاد سایه و اقتصاد رسمی در حال تردد هستند و وقتی دستمزدهای خالص در اقتصاد رسمی بالا می‌رود، آن‌ها کمتر در اقتصاد سایه کار می‌کنند. این مطالعه همچنین تاکید می‌کند وقتی که مردم میزان‌های مالیات را خیلی بالا می‌یابند، افزایش در آن به کاهش در درآمد مالیاتی منتهی می‌شود.

## وضع مقررات

مقررات دولت اساساً هزینه نیروی کار را در اقتصاد رسمی برای بنگاه‌ها افزایش می‌دهد. چنین مقرراتی شامل الزامات مجوز، مقررات بازار کار، موانع تجاری و محدودیت‌های کار برای خارجی‌ان است. شاغلین در اقتصاد رسمی که بیشتر هزینه‌های اضافی مرتبط را به کارفرمایان منتقل می‌کنند، به آن‌ها انگیزه‌های قوی برای انتقال به اقتصاد سایه می‌دهند. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که کشورهای دارای مقررات بیشتر در اقتصاد، اقتصادهای سایه بزرگتری دارند. برای مثال، در میان ۸۴ کشور در حال توسعه، در حال گذار و پیشرفته، یک واحد اعشار افزایش در شاخص مقررات (از یک تا ۵) با ۱۰ درصد افزایش در اقتصاد سایه همراه است.

مقررات بازار کار، به ویژه، تاثیر مهمی بر هزینه‌های کارفرمایان و انگیزه‌های شاغلین دارند. در بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، هزینه‌های بالای نیروی کار علت مهمی برای افزایش میزان‌های بالای بیکاری رسمی و نیز به طور همزمان گسترش اقتصاد سایه است که موجب جذب بسیاری از کسانی می‌شود که رسماً بیکار شده‌اند.

بسیاری از دولت‌ها (برای مثال فرانسه) و اتحادیه‌های کارگری (برای مثال در آلمان) ساعات کار اقتصاد رسمی را به منظور کاهش بیکاری کم کرده‌اند. گرایش به سمت باز توزیع مقدار محدود کار عادلانه‌تر است، اما کاهش اجباری کار در اقتصاد رسمی مردم را به سوی اقتصاد سایه سوق می‌دهد. برای مثال، بعد از این که «فولکس واگن» در آلمان ساعات کارش را

کم کرد، تعمیر و نوسازی خانه‌ها در اطراف مکان‌هایی که شاغلین شرکت زندگی می‌کردند، نسبت به سایر مکان‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت.

## حکمرانی

اقتصادهای سایه، در کشورهای دارای نهادهای دولتی قوی و کارآمد، کوچکتر هستند. در واقع، بسیاری از مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که این مالیات‌های بالاتر نیست که اندازه اقتصاد سایه را افزایش می‌دهد، بلکه کاربرد مصلحتی و بی‌ثمر نظام مالیاتی و مقررات دولت‌هاست که موجب گسترش آن می‌شود.

یک اقتصاد به شدت کنترل شده همراه با نظام اداری مصلحتی وضعی، زمینه مساعدی برای فعالیت‌های سایه فراهم می‌کند. اینها همچنین شرایطی هستند که تحت آن‌ها فساد رشد می‌کند.

مطالعات محدودی رابطه میان فساد و اقتصاد سایه را به طور تجربی بررسی کرده‌اند؛ با وجود این، همین مطالعات نشان می‌دهند کشورهای دارای فساد بیشتر، اقتصادهای سایه نسبتاً بزرگتری دارند. فساد، اساساً استفاده نامطلوب از قدرت عمومی برای منافع خصوصی است. فعالیت‌هایی که فرصت فساد را فراهم می‌کنند شامل موارد زیر هستند:

• آیین نامه یا مجوز اشتغال در فعالیتی خاص (برای مثال بازکردن یک مغازه یا رانندگی یک تاکسی)؛

• منطقه بندی زمین و سایر تصمیمات رسمی مشابه؛

• مدیریت یا دسترسی آسان به کالاها و خدمات عمومی؛

• کنترل تصمیمات در خصوص تدارک قراردادهای سرمایه‌گذاری عمومی؛

• کنترل پیش بینی محرک‌های مالیاتی؛ و

• کنترل استخدام و ارتقاء در میان بخش عمومی.

در مطالعات متعدد، همبستگی مستقیمی بین کاهش سطح فساد در یک کشور و میزان اقتصاد سایه دیده شده است. تمام مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که فساد بیشتر به یک اقتصاد سایه بزرگتر می‌انجامد.

یکی از این مطالعات نشان می‌دهد که کشورهای ثروتمندتر عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، و نیز شرق اروپا دارای تعادل مناسب مالیات و فشار نظارتی نسبتاً پایین، تحرک درآمد نسبتاً زیاد، حکمرانی مناسب قانون و کنترل فساد، و اقتصاد رسمی نسبتاً کوچک هستند.

در مقابل، تعدادی از کشورها در آمریکای لاتین و اتحاد شوروی سابق، ویژگی‌های یک تعادل نامناسب را ارائه می‌کنند؛ مالیات و فشار نظارتی بر شرکت‌ها بالاست، حاکمیت قانون ضعیف است، رشوه خواری نفوذ بالایی دارد و سهم فعالیت‌ها در اقتصاد غیر رسمی نسبتاً بالاست.

## آثار اقتصاد رسمی

تغییر در اندازه اقتصاد سایه، در تغییرات زیر منعکس می‌شود:

• شاخص‌های پولی: گرایش مبادلات اقتصاد سایه به سمت نقدی بودن است. بنابراین، افزایش فعالیت در اقتصاد سایه احتمالاً تقاضا برای پول را افزایش می‌دهد.

• میزان‌های مشارکت بازار کار و ساعات کار: هنگامی که تعداد افراد فعال در بخش پنهانی رشد می‌کند، میزان مشارکت در اقتصاد رسمی کاهش می‌یابد. همچنین وقتی افراد بیشتری در بخش پنهانی کار می‌کنند، ساعات کار در اقتصاد رسمی احتمالاً کاهش می‌یابد.

• آمارهای تولید: وقتی اقتصاد سایه رشد می‌کند، نهادهای تولید مخصوصاً کار حداقل تا حدودی از اقتصاد رسمی خارج می‌شود. این جابه‌جایی، میزان رشد رسمی اقتصاد را کم می‌کند.

## آثار بر رشد اقتصادی

مطالعات تجربی و نظری به طور قطعی توضیح نمی‌دهند که چگونه افزایش در اقتصاد سایه یا بخش غیر رسمی، بر میزان رشد اثر می‌گذارد. مطابق برخی از این مطالعات، اقتصاد سایه، رشد تولید ناخالص داخلی را کم می‌کند. آن‌ها ادعا می‌کنند که انقباض اقتصاد سایه، درآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهد، افزایش مخارج عمومی، مخصوصاً در خدمات و زیربنایها، را ترغیب می‌کند که این امر، گسترش تولید را حمایت می‌کند و به افزایش در رشد کل اقتصاد منتهی می‌شود.

دیدگاه مخالف این است که بخش غیر رسمی، کارآتر و رقابتی‌تر از بخش رسمی است و بنابراین، افزایش در اقتصاد سایه، رشد کل اقتصاد را برمی‌انگیزد.

مطالعات تجربی نشان داده‌اند که حداقل دو - سوم درآمد حاصل از اقتصاد سایه

سریعا در اقتصاد رسمی خرج می‌شود. در آلمان و اتریش، دو - سوم ارزش افزوده تولید شده در اقتصاد سایه، در صورت نبود اقتصاد سایه، اصلاً تولید نمی‌شد. در انگلستان طی سال‌های ۸۴-۱۹۶۰، عواید اقتصاد پنهان به طور معنی داری مخارج مصرف‌کننده مخصوصاً در کالاها و خدمات با دوام را افزایش داد. آثار مثبت چنین مخارجی بر رشد اقتصادی و درآمد مالیات‌های غیر مستقیم روشن است.

## آثار بر خدمات عمومی

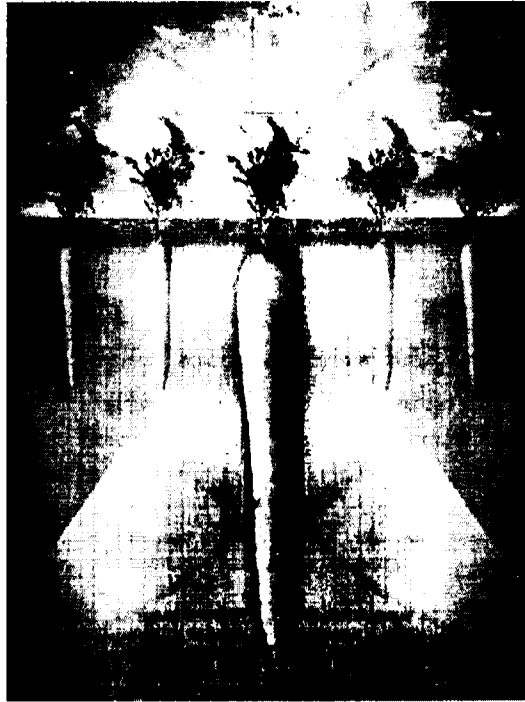
مبادلات اقتصاد سایه در مقایسه با اقتصاد رسمی، کمتر از سایر موارد می‌تواند درآمدهای دولتی را حفظ کند؛ این امر موجب کاهش توانایی دولت برای تامین کالاها و خدمات می‌شود. دولت‌ها ممکن است با افزایش میزان مالیات شرکت‌ها و اشخاص به این موضوع واکنش نشان دهند. مالیات بالاتر، به ویژه همراه با تنزل ملموس کیفیت مدیریت و کالاها، عمومی یا سرمایه‌گذاری کمتر در زیربنای عمومی، موجب حرکت شدیدتر شرکت‌ها و کارگران به سمت اقتصاد سایه می‌شود؛ این امر به این چرخه تداوم می‌بخشد.

## انتقالات اجتماعی

افرادی که مزایای سخاوتمندانه بیکاری را دریافت می‌کنند، یک عامل بازدارنده برای کار در اقتصاد رسمی دارند. این انتقالات ممکن است به طور معنی داری درآمد کل آن‌ها را افزایش دهد و مانع از این نمی‌شود که آن‌ها در فعالیت‌های زیرزمینی کار کنند.

## اندازه‌گیری اقتصاد سایه

تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران لازم است بدانند برآوردهای اقتصاد سایه ممکن است بسته به روش برآورد، تفاوت چشمگیری داشته باشند. هیچ روش برآوردی که بهترین باشد، وجود ندارد. هر رویکردی نقاط ضعف و قوتی دارد و نتایج و ملاحظات خاص خودش را به بار می‌آورد. جدول (۳) روش‌های عمومی را تشریح می‌کند. روش تقاضای پول و نیز متغیر نهفته بیشترین مورد استفاده را دارند. مقایسه‌ها تاکید می‌کنند که برای یک کشور مفروض در یک دوره مشخص، روش‌های مختلف ممکن است تصویرهای کاملاً متفاوتی از اندازه و رشد اقتصاد سایه ارائه بدهند. دلالت آن‌ها بر این است که تصمیم‌گیران در صورت استفاده از برآوردهای مبتنی بر یک روش منفرد، باید کاملاً محتاط



باشند. همچنین آن‌ها بر دقت نظر در مقایسه‌های بین کشوری یا مقایسه‌های سری زمانی در یک کشور تاکید می‌کنند که با استفاده از روش‌های مختلفی برآورد شده‌اند.

## دلالت‌هایی برای عمل

همانطور که اشاره شد، افزایش در اقتصاد سایه احتمالاً به کاهش درآمد دولت و در نهایت کاهش کیفیت و کمیت کالاها و خدمات عمومی منتهی می‌شود. این موضوع، به افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها و اشخاص می‌انجامد که اغلب همراه با کاهش کیفیت و مدیریت کالاها، عمومی مانند جاده‌ها و بیمارستان‌های دولتی است.

به عبارت دیگر، دو - سوم درآمد حاصل از اقتصاد سایه بلافاصله در اقتصاد رسمی هزینه می‌شود. این یک فرصت برای

اقتصاد رسمی است و به رشد بیشتر کل اقتصاد منجر می‌شود.

بنابراین، رشد اقتصاد سایه بر هر کسی تاثیر می‌گذارد. اما مشکل می‌توان ارزیابی کرد که اقتصاد سایه، تاثیر مثبت یا منفی بر اقتصاد رسمی دارد.

دولت‌ها می‌توانند برای تحت کنترل درآوردن اقتصاد سایه عمل کنند. تحقیقات نشان می‌دهند اقتصادهای سایه کوچک‌تر در کشورهایی با درآمدهای مالیاتی بالاتر وجود دارند که با میزان‌های مالیات پایین‌تر، قوانین و مقررات کمتر همراه هستند؛ علاوه بر این، قوانین ثابت دارد و رشوه‌خواری در بنگاه‌ها کمتر است.

نیروهای مهم اثرگذار بر اندازه و رشد اقتصاد سایه عبارت‌اند از: بار فزاینده مالیاتی و پرداخت‌های تامین اجتماعی، همراه با فعالیت‌های فراگیرتر نظارتی دولت. اجرای ضعیف و مصلحتی قوانین و مقررات، فعالیت‌های اقتصاد سایه را تشویق می‌کند. تحقیقات بر اهمیت حاکمیت قانون برای به کنترل درآوردن فساد و فعالیت اقتصادی سایه مرتبط با آن تاکید می‌کنند.

یافته‌ها، مفاهیم مفیدی را به شرح زیر برای سیاست‌گذاران ارائه می‌کنند:

هر کاهش معنی داری در میزان‌های مالیات لزوماً اقتصاد سایه را محدود نمی‌کند، اما این احتمال وجود دارد که آن‌ها را تثبیت کند.

میزان‌های نهایی مالیات تاثیر بیشتری بر میزان‌های متوسط مالیات بر تصمیمات مربوط به فعالیت در اقتصاد سایه دارد. جایگزینی مالیات‌های مستقیم با مالیات‌های غیر مستقیم برای بهبود تسلیم مالیات، غیر محتمل است.

حسابرسی مالیاتی مکرر و مجازات‌های شدیدتر برای فرار مالیاتی، اندازه اقتصاد سایه را کاهش می‌دهد.

دولت‌ها باید تاکید بیشتری بر قانونمند کردن فعالیت‌های خاص اقتصاد سایه داشته باشند، برای مثال با آزادسازی بازار کار.

اصلاحاتی که مقررات را آزاد و اقتصاد را رقابتی‌تر می‌کند، محرک‌های فساد را کاهش می‌دهد و شرکت‌ها را برای حرکت از اقتصاد سایه به اقتصاد رسمی تشویق می‌کند.

دولت‌ها باید بر حاکمیت قانون و اجرای اکید حداقلی از مجموعه مقررات ضروری، به جای افزایش تعداد مقررات، تاکید بیشتری کنند.

Friedrich Schneider with Dominik Enste, Hiding in the Shadows, March 2002.

\* منبع:

Friedrich Schneider with Dominik Enste, Hiding in the Shadows, March 2002.